

# جولاپے در ایل زرزا

یوسف مجیدزاده

زیر نظر دکتر صادق کیا استاد دانشگاه و مشاور عالی هنرهای  
زیبای کشور و رئیس اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه

طرحها از : نصرت الله شیرازی

فاصله هر میله از میله دیگر یک سانتیمتر و فاصله دو ردیف از یکدیگر نیز یک سانتیمتر است . هر میله از یک ردیف در میان دو میله از ردیف دیگر دیده می شود و هنگامی که هر دو ردیف را از روبرو نگاه کنیم، فاصله هر میله را از میله دیگر نیم سانتیمتر خواهیم دید . این شانه « شی خوری » نامیده می شود .

۲ - دوک - از دو بخش درست شده است ، یکی چوب باریک و بلند و استوانه ای شکل - به بلندی ۲۵ سانتیمتر - به نام « نوروکا » و دیگری صفحه گردی که آن را « سَلَك تَشی » می نامند . « سَلَك تَشی » در میان سوراخی دارد و « نوروکا » در آن سوراخ فرو می رود و بخش کوچکی از آن که تیز و مانند نوک مداد است از یک سوی آن بیرون می آید و بخش بزرگترش در سوی دیگر باقی می ماند .

درباره ایل زرزا در شماره های هشتم و یازدهم همین مجله دوگفتار به چاپ رسیده است . از خوانندگان گرامی خواهشمند است که به آن دوگفتار رجوع نمایند .

\*\*\*

جولائی (بافندگی) یکی دیگر از پیشه های مردان ایل زرزا است . این پیشه اکنون ویژه دو یا سه مرد است که در « اشنویه » هنوز با دستگاهها و شیوه پیشین بدان مشغولند و چون نخ که در بافت بکار می رود در خود ایل از پشم گوسفند و بره و بز فراهم می شود ، از این روی جولائی در اینجا دو مرحله دارد ، یکی پشم ریزی و دیگری بافندگی . اینک در زیر شرح هر دوی آنها یاد می شود :

پشم ریزی

پشم ریزی ویژه زنان است . آنها از پشم گوسفند که « خوری » و پشم بز که « لئا » و موی بز که « مو » نامیده می شود نخهای پشمی درست می کنند .

این افزارها در پشم ریزی بکار برده می شود .

۱ - شانه - تخته راست گوشه ای است به اندازه ۲۰×۱۰ سانتیمتر که در آن دو ردیف میله فلزی به موازات درازایش به شکل میخهای باریک و بلند کار گذاشته شده است . اندازه هر یک از میله ها از روی تخته پیرامون پنج سانتیمتر است .

چگونگی درست کردن نخ

نخست پشم را شانه می کنند و سپس آن را می ریسند . برای شانه کردن پشم ، روی زمین می نشینند و کف هر دو پا را روی دوپهنای تخته شانه می گذارند و یک دسته پشم را با هر دو دست می گیرند و آن را در دنده های شانه فرو می برند و بسوی خود می کشند . با این کار که چندین بار تکرار می شود ، پشم مانند موی ژولیده و آشفته ای که با شانه آراسته شود ، مرتب

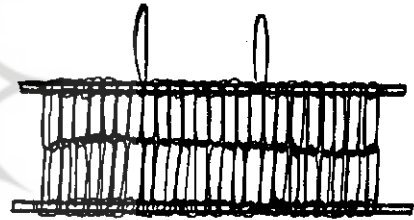
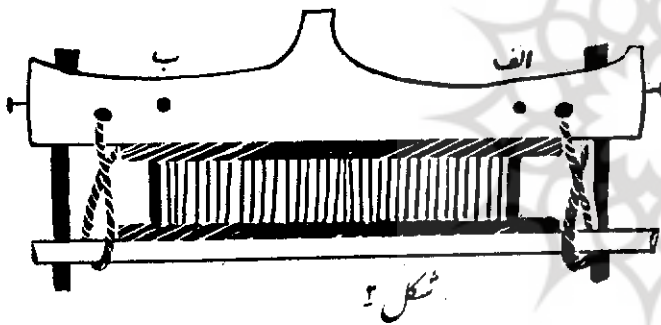
هنر مردم

می‌گردد ، سپس پشمهای شانه شده را دسته دسته بر روی هم می‌چینند .

پس از آن که کار شانه زدن پایان یافت ، ریسیدن آغاز می‌شود . بدین ترتیب که نخست يك دسته از پشم شانه شده را بر می‌دارند و با دست به صورت رشته باریکی درمی‌آورند و سر آن را به « نوروکا » می‌بندند ، آنگاه دوک را از سر بلند « نوروکا » به چرخ درمی‌آورند . دوک مانند فرفره به دور خود می‌چرخد و چون سر نخ به دوک بسته شده است ، با چرخیدن دوک پشمها تاب می‌خورند و به هم می‌پیچند . پس از آن که به اندازه کافی تاب خورده و به صورت رشته پشمی تابیده درآمدند ، آنها را بر روی « نوروکا » می‌پیچند و آخرین بخش آن را در شیاری که در سر بالائی دوک کنده شده است گیر می‌دهند و از نو به چرخانیدن دوک و تابیدن دنباله پشمها می‌پردازند و این کار را آن قدر ادامه می‌دهند تا همه پشمها به صورت رشته تابیده درآیند و آماده بافتن شوند .

یازدهم و دوازدهم . . . . از بخش پائین همین گورد بگذرند . برای گذرانیدن تارها از گورد دوم همین کار را به صورت معکوس انجام می‌دهند به این معنی که تارهایی را که از بخش بالای گورد اول گذشته‌اند ، از بخش پائین گورد دوم و تارهایی را که از بخش پائین گورد اول گذشته‌اند ، از بخش بالای گورد دوم می‌گذرانند . برای گذرانیدن تارها از گورد سوم باید تارهای شماره اول ، چهارم و پنجم ، هشتم و نهم ، دوازدهم و سیزدهم و . . . . از بخش بالای آن و تارهای شماره دوم و سوم ، ششم و هفتم ، دهم و یازدهم . . . . از بخش پائین آن بگذرند .

گذرانیدن تارها از گورد چهارم معکوس گذرانیدن آنها از گورد سوم است به این معنی تارهایی که از بخش بالای گورد سوم گذشته‌اند از بخش پائین گورد چهارم و تارهایی که از بخش پائین گورد سوم گذشته‌اند از بخش بالای گورد چهارم می‌گذرند ، حال با کشیدن هر گورد به پائین ، دسته‌ای از تارها



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### باقندگی

چگونگی کار دستگاه - کار دستگاه جولائی از نظر نقش پارچه بردو گونه است . یکی برای پارچه‌هایی که نقش هندسی بجز راستگوشه دارند و دیگری برای پارچه‌های ساده و پارچه‌هایی که نقش راستگوشه دارند .

جولا در آغاز به شماره و به درازای تارهای پارچه ، يك دسته از رشته‌های پشمی را جدا می‌کند . و برای بافتن پارچه با نقش هندسی (بجز راستگوشه) تارها را از درون چهار «گورد» (شکل ۱) (هر تار را از يك خانه گورد) چنان می‌گذرانند که اگر تارها را شماره گذاری کنیم ، تارهای شماره اول و دوم ، پنجم و ششم ، نهم و دهم و . . . . از بخش بالای گورد اول و تارهای شماره سوم و چهارم ، هفتم و هشتم ،

جدا می‌شود و با همان گورد به پائین می‌آید و در نتیجه فاصله‌ای میان این دسته از تارها با تارهای دیگر پیدا می‌شود . برای بافتن پارچه ساده ، یا پارچه با نقش هندسی (راستگوشه) دو گورد بیشتر بکار نمی‌آید . تارهای شماره نك را از بخش بالای گورد اول و سپس از بخش پائین گورد دوم می‌گذرانند و تارهای شماره جفت را از بخش پائین گورد اول و سپس از بخش بالای گورد دوم می‌گذرانند و با کشیدن هر گورد به پائین نیمی از تارها (يك درمیان) از هم جدا می‌شوند .

۱ - زرها به گویش خود تار را «رایال» می‌نامند .

پس از این کار دوباره تارها را از لابه‌لای دنده‌های «شا» (شکل ۳) (شماره دنده‌های «شا» به اندازه شماره تارها است و خود آنها فی‌هائی هستند که از درازا بریده شده‌اند) می‌گذرانند و سرانجام سره‌ریک از تارها را به ترتیب به سر تارهای يك قطعه پارچه که برای همین کار بافته شده است گره می‌زنند، این پارچه به‌دور «چَخ پیچیک» (شکل ۳) پیچیده شده است.

«چخ پیچیک» چوبی است چهاربر که دوسر آن استوانه‌ای و باندازه پنج سانتیمتر باریکتر از تنه آن است. دوسر «چخ پیچیک» در دو «سینک»<sup>۱</sup> (شکل ۴) جادارد و می‌تواند در آن به دور خود بچرخد و چون سر پارچه‌ای که بافته می‌شود به آن می‌خکوب شده است، می‌توان با چرخاندنش پارچه را به‌دور آن پیچید، یا از آن باز کرد.

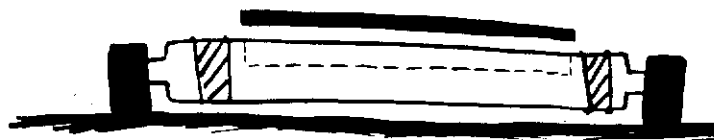
در يك سوی بخشی از «چخ پیچیک» که درون «سینک» حای دارد، سوراخی است و بدقطر آن سوراخ، سوراخ دیگری در «سینک» است که اگر بخواهند «چخ پیچیک» را ثابت نگاه دارند، این دوسوراخ را روبروی یکدیگر قرار می‌دهند و میخ بلندی را از آنها می‌گذرانند در این صورت «چخ پیچیک» از حرکت باز می‌ماند.

در این هنگام جولاسر دیگر تارها را از پشت «سینک» ملاقا (شکل ۵) که چوبی است استوانه‌ای و می‌تواند در شکاف سینکها به آسانی دور خود بچرخد، می‌گذرانند سپس سردسته این تارها را چنان گره می‌زنند که حلقه‌ای در آن پیدا شود و آنگاه آن را بر روی چنین حلقه‌ای که در ریسمان سیاهی به نام «گوریس» درست شده است می‌گذارد و استخوانی را از میان هر دو حلقه می‌گذرانند. این استخوان، استخوان بازو، یاساق گوسفند است و «هسک» نامیده می‌شود. سر دیگر ریسمان را از درون چوبی خمیده که به‌طاق کارگاه کوبیده شده و نام آن «تاپان» (شکل ۶) است می‌گذرانند و سپس آن را بر زمین پشت دستگاه از يك میخ چوبی سر کج که نام آن هم «سینک» (شکل ۷) است رد می‌کنند و سپس به‌سختی می‌کشند و به‌دور میخ چوبی می‌پیچند و گره می‌زنند.

از سوی دیگر، دستگاه «دقا» (شکل ۲) که «شا» در درون آن جای دارد با ریسمان دیگری (به نام «شیریت») که از دوسوراخ «الف» و «ب» بالای آن می‌گذرد به‌طاق بسته شده و هم‌چنین با دو میخی که در دوسر خود دارد به دو دسته

۱ - سینک چوبی است چهاربر که بخشی از آن را در زمین فرو می‌کنند و بخشی دیگر آن که بیرون از زمین می‌ماند، به‌صورت دوشاخه است. سینکها دو په‌دو روبروی هم و در دوسوی پهنای پارچه قرار دارند به‌طوری که اگر چوب بلندی را روی دو سینک که روبروی هم هستند بگذاریم دوسر چوب در درون شکاف سینکها جای می‌گیرند.

۲ - نگاه کنید به طرح کلی دستگاه جولانی.



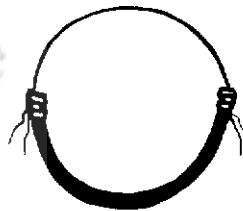
شکل ۳



شکل ۴



شکل ۵



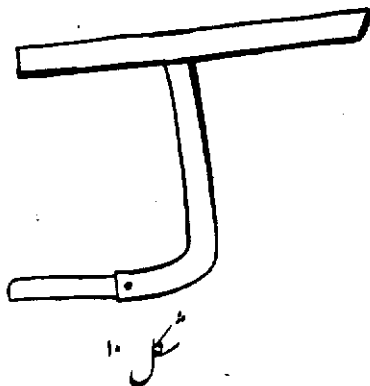
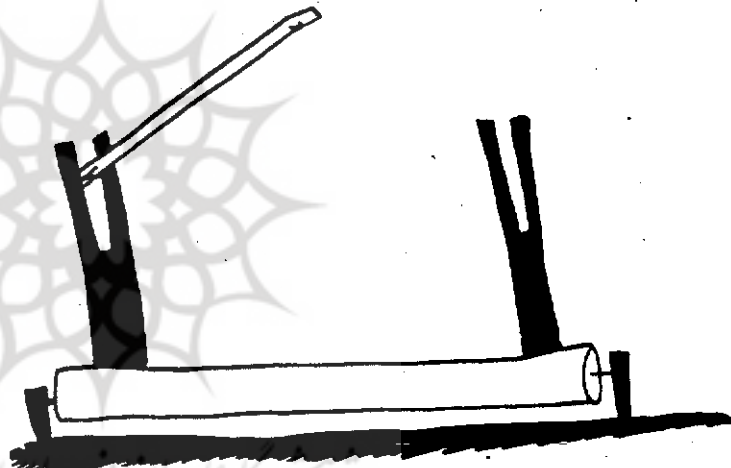
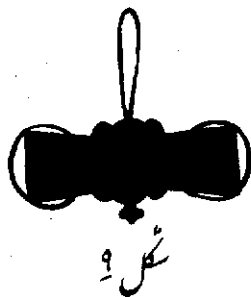
شکل ۶



شکل ۷

در آنها بایک محور میخی جای داده شده است. از روی هر کدام از این قرقره‌ها یک رشته نخ می‌گذرد و هر سر آنها به یکی از «گورد»ها بسته می‌شود بدین ترتیب که «گورد» اول و دوم به دوسر یک رشته و «گورد» سوم و چهارم به دوسر رشته دیگر بسته شده است.

چوب زیرین هر یک از «گورد»ها به یک بند چرمی بسته شده و هر یک از این بندها در گودالی که زیر «دفا» و «گورد»ها کنده شده به یک تکه چوب چسبیده است (شکل ۱۰). این چوب و چرم به هم بسته را «پپی تاتا» می‌نامند و اگر روی هر کدام از این چوبهای گودال فشاری بیاوریم، گوردی که با چرم به آن پیوسته است پائین می‌رود و گورد دیگری که با نخ قرقره «چوالکا» به این گورد پیوسته است بالا می‌آید.



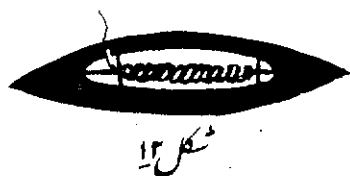
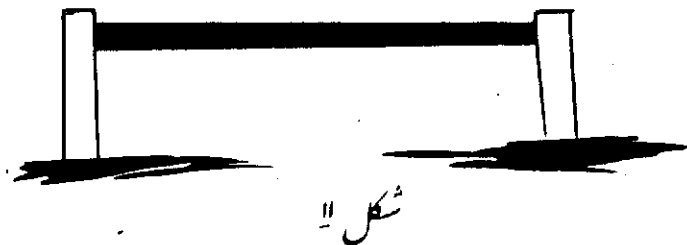
«لنگرا» (شکل ۸) بسته شده است. «لنگرا» یک تکه چوب استوانه‌ای است که در دوسر آن دو میخ بزرگ تا نیمه فرو شده است. درازای «لنگرا» از فاصله میان دو «سینک» که در دوسوی آن جای دارند کمتر است ولی دو میخی که در دوسر «لنگرا» کوبیده شده است این کوتاهی را جبران می‌کند و میخها می‌توانند در سوراخهایی که در «سینکها» کنده شده جای بگیرند و «لنگرا» به دور خود بچرخد.

دو تکه چوب که سر بالائی آنها دوشاخه است، از پائین در یک خط و به فاصله‌ای که بهنای تارها از میان آن می‌گذرد به «لنگرا» کوبیده شده است. دو قطعه چوب دیگر که در هر سر سوراخی دارند هر کدام از یک سو با میخی در یکی از دوشاخه‌های دوسوی «لنگرا» لولا شده‌اند و سر دیگر هر کدام

از آنها با میخی که در سر «دفا» وجود دارد و به آن لولا شده است.

کار «لنگرا» این است که هرگاه «دفا» را به پیش یا پس برانیم و سپس رها کنیم «لنگرا» آن را به جای خود بازمی‌گرداند. شیریت از سر دیگر خود به «چوالیکا» (شکل ۹) پیوسته است. «چوالکا» تکه چوبی است که درازای پیرامون بیست سانتیمتر که از میان آن نخ دولائی چنان گذرانیده شده است که در زیر «چوالکا» گره کوری خورده و در بالای آن حلقه‌ای پدید آورده است. شیریت به این حلقه با گرهی بسته می‌شود. دو سر «چوالکا» دوشاخه است و دو قرقره «به نام «فترقرا»



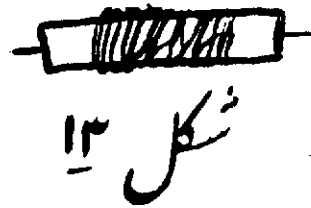
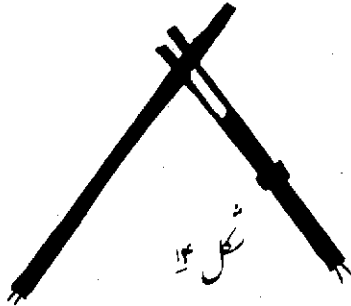


لازم می‌داند باز تکرار کند که هرگاه پارا روی یکی از این چوبها بگذاریم و آنرا بهسوی پائین فشار دهیم یکی از گوردها پائین می‌رود و گورد دیگر بالا می‌آید .  
از بخشهای دیگر دستگاه جولائی یکی « پیردالا » (شکل ۱۱) است و آن يك تکه چوب صاف و چهارپسر است که در شکاف دو سینک ویژه‌ای جای دارد . بلندی سینکهای « پیردالا » پیرامون دوبرابر سینکهای دیگر است . « پیردالا » در زیر تارها قرار دارد و آنها را کمی بهسوی بالا می‌راند و در يك خط افقی نگاه می‌دارد . لازم است یادآور شود که فاصله میان هر دو سینک که روبروی هم قرار دارند ، در همه دستگاه برابر است و این فاصله کمی بیشتر از اندازه پارچه‌ای است که بافته می‌شود .

دیگر از افزارهایی که در دستگاه جولائی بکار می‌رود ماکو است که آنرا «ماکوک» (شکل ۱۲) می‌نامند . ماکو چوبین و میان تهی و به صورت يك بادام است . در سوراخ آن يك تکه نی که آنرا «لویک» (شکل ۱۳) می‌نامند و نخ به دور آن پیچیده می‌شود جای دارد . درازای این نی از درازای سوراخ درون ماکو کمتر است . آخرین بخش ماکو يك تکه سیم فلزی است به نام «تی‌یل» (شکل ۱۳) که هم از لویک و هم از سوراخ ماکو درازتر است . این سیم از درون نی می‌گذرد و در سوراخ ماکو جای می‌گیرد ، بدین ترتیب که در يك سوراخ ماکو سوراخ کوچک دیگری است که يك سر «تی‌یل» در آن فرو می‌رود و سر دیگر آن در سوی دیگر سوراخ ماکو که در آن شیاری درست شده است جای می‌گیرد و سپس

میخی از بالای آن در پهنای شیار می‌گذرد و آنرا از حرکت باز می‌دارد . هرگاه نخ ماکو تمام شود «لویک» را در می‌آورند و پس از پیچیدن مقداری نخ به آن ، دوباره در درون ماکو می‌گذارند . نخ که از لویک باز می‌شود از سوراخی که در يك پهلوی ماکو کنده شده است رد می‌شود . هرگاه سر نخ را بکشیم ، «لویک» به آسانی به دور محوری می‌چرخد یعنی «تی‌یل» می‌چرخد و نخ باز می‌شود .

بافتن پارچه : پس از آن که تارها خوب کشیده و دستگاه آماده شد جولا پاهای خود را از زیر «چخ پیچیک» رد می‌کند و در گودال می‌رود و کف پاهای خود را روی چوب دوتا از «پی‌تاتا»ها می‌گذارد و چنان می‌نشیند که «چخ پیچیک» درست به شکمش بچسبد . آنگاه سر نخ ماکو را به فاصله چهار انگشت گشاده از آخر تارها به نخستین تار گره می‌زند و پای خود را روی یکی از «پی‌تاتا»ها می‌گذارد و آنرا به کف گودال فشار می‌دهد با این کار چنان که در بالا گفتیم دسته‌ای از تارها با گورد به پائین کشیده می‌شوند و میان این دسته تارها و تارهای دیگر زاویه‌ای پدید می‌آید . سپس جولا ماکو را از همان سوئی که سر نخ را گره زده است و از میان زاویه‌ای که یاد شد بهسوی دیگر پرتاب می‌کند . و آنگاه پای خود را از روی «پی‌تاتا» بر می‌دارد و بر «پی‌تاتا»ی دیگر می‌گذارد با این کار زاویه‌ای میان دسته دیگری از تارها پدید می‌آید و سپس ماکو را از میان تارها به جای نخست پرتاب می‌کند . و این کار به همین روش ادامه می‌یابد تا به اندازه‌ای که می‌خواهد پارچه بافته شود . پس از آن که بافت چند انگشتی از پارچه به پایان رسید ،



ایستاده باشد به اندازه پهنای پارچه است به اندازه‌ای که در گرفته شده باقی می‌ماند .

پارچه به همین روش بافته می‌شود تا نزدیک دفا برسد . در این هنگام که کار بافتن سخت می‌شود ، جولای ریسمان سیاهی (گوریس) را که در پشت خود او به یک سینک بسته شده است ، کمی شل می‌کند و پس از برداشتن برنچک از روی پارچه میخ «چخ پیچیک» را درمی‌آورد و بخش بافته شده را به دور آن می‌پیچد در نتیجه هرچه پارچه بیشتر بافته می‌شود درازای تارها کمتر می‌گردد و گوریس رفته رفته جای آنها را می‌گیرد .

پس از پیچیدن پارچه دوباره میخ پیچیک را به جای خود می‌گذارند و برنچک را به همان روش که در بالا یاد شد به کار می‌برد و ریسمان را می‌کشد و به دو سینک گره می‌زند و این کار همه تا پایان بافتن بافت پارچه ادامه دارد .

پهنای پارچه‌ای که با این دستگاه بافته می‌شود همیشه ۶۰ سانتیمتر است . چیزهایی که با دستگاه بالا بافته می‌شود ، جاجیم ، ورمال ، بوزو و شمَد (شمط) است که در شماره هفتم همین مجله شرح آنها یاد شده است و شایسته نیست که دوباره یاد شود .

۱ - اگر پارچه‌ای که بافته می‌شود ساده یا با نقش هندسی راستگوشه باشد ، چون جولای با دو «گورد» کار می‌کند به ترتیب هر بار پارای روی یکی از دو «پیپیتاتا»ها می‌گذارد و سپس ماکو را رها میکند ولی اگر پارچه‌ای که بافته می‌شود نقش هندسی دیگری داشته باشد جولای با در نظر گرفتن نقشه‌ای که دارد پای خود را هر بار روی یکی از «پیپیتاتا»های مورد نظر می‌گذارد و ماکو را بکار می‌برد .

جولای دفا را که سنگین‌ترین بخش دستگاه است با دست و با فشار به سوی خود ( به سوی بخش بافته شده ) می‌کشد و در نتیجه دنده‌های « شا » پودهای ( پود به گویش زرزا «تودان» نامیده می‌شود) بافته شده را فشرده تر می‌کند . جولای برای گل انداختن با در نظر گرفتن نقشه‌ای که دارد از ماکوهائی که نخ رنگینی دارد استفاده می‌کند .

آخرین بخش دستگاه جولائی افزاری است به نام « برنچیک » (شکل ۱۴) و آن یک تکه چوب است . که درازای آن درست به اندازه پهنای پارچه است . این افزار از دوپاره درست شده است که سر یکی از آنها دوشاخه است و دیگری که باریکتر از آن است تا کمر درشکاف آن جای می‌گیرد و با میخی به آن لولا می‌شود و درست مانند یک گونه از تفنگهای شکاری است که برای گذاشتن فشنگ از کمر می‌شکند . « برنچک » می‌تواند از جایی که لولاشده تاشود . از سوی دیگر به هر یک از این دو سر این افزار دو میخ کوبیده شده که ته آنها را شکسته و مانند سرشان تیز کرده‌اند و این نوکهای تیز اندکی از چوب بیرون آمده‌اند . هنگامی که پارچه کمی بافته شد ، تارها به هم نزدیک می‌شوند و از پهنای درهم فرو می‌روند و کار بافتن دشوار می‌شود ، برای مرتب کردن آنها « برنچک » را به کار می‌برند و آن نخست کمی از کمر تا می‌کند و چنان در پهنای می‌گذراند که نوک میخهایش درست در دلبه آن فرو رود و سپس آن را با فشار دست راست می‌کنند و از خمیدگی درمی‌آورند و با پیش راندن حلقه‌ای که در کمر شاخه کلفت تر آن است از تاشدنش باز می‌دارند . و چون درازای « برنچک » هنگامی که راست